



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(4): 453-458

Received: 02-09-2020

Accepted: 09-10-2020

دكتور محمد عثمان روحانی

پوهاند، د حدیث تفسیر خانګه، د
اسلامي علومو پوهنځی، شهید استاد
رباني د ښوونې او روزنې پوهنتون،
کابل، افغانستان

تدلیس و تأثیر آن بر حدیث نبوی

دكتور محمد عثمان روحانی

خلاصه

حدیث، در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی روبه رو بوده است. چنانکه، حدیث که باید راه گشای فقه باشد، زمانی نقل آن ممنوع و بعد از مدتی، مجاز می شد. فرمانروایان، نسبت به روایان و مشایخ حدیث سخت گیری های فراوانی داشته و مخالفان حکومت، حق گزارش حدیث را نداشتند. برخی از مدلسان، علی رغم مذموم بودن تدلیس، آن را راه گزینی برای بیان احادیث می دانستند. در این میان، عقاید عامه نسبت به موالی از یک سو و داوری های دور از انصافشان از سوی دیگر، باعث می شد معیار ارزیابی احادیث بین مردم منطقی نباشد. برخی از محدثان با روش تدلیس، احادیث را به سمت رضایت مردم سوق می دادند و بدین طریق، اعتبار نوشته های حدیثی را پایین می آوردند. این نوشتار درصدد است، تا با بررسی گوشه ای از تاریخ حدیث و در نظر گرفتن تأثیر تدلیس مدلسان بر احادیث نبوی، راهی نو برای قضاوت احادیث مدلس و روشی جدید برای تفکیک این نوع از احادیث نشان دهد و این احادیث را درجه بندی کند. روش تحقیق انجام شده در این نوشتار به شکل کتاب خانه بوده از کتابهای معتبر استفاده به عمل آمده است.

واژه کلیدی: تدلیس، حدیث مدلس و حدیث نبوی.

1 - مقدمه

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی سید المرسلین وعلی اله واصحابه اجمعین. دانشمندان توجه خاص را در بخش علم حدیث نموده و در این بخش قواعد و اساسات را پایه گذاری نموده است، تا بتواند به توسط آن احادیث را رسول معظم اسلام از دست برد انسانهای مغرض و جعل کار از دروغ، از موضوع بودن نگاه داری نماید احادیث را به اقسام مختلف تقسیم کرده از انواع احادیث یک نوع آن احادیث مرسل و تدلیس است. روایت اشخاص را که ارسال و تدلیس می نماید مورد تعقب قرار داده به بخشها و طبقات مختلف تقسیم نموده است.

ارسال و تدلیس هم به مانند شب تاریک ظهور می یابد هم چیز را در یک ردف قرار می دهد و انسان نمی تواند باجود این پدیده فرق میان درست و نادرست نماید و چیزی را مشاهده کند؛ از همین جهت در این باره موضوع را انتخاب نموده تا تحقیق نماید که اثرات این پدیده بر بالای احادیث پیامبر اسلام چگونه است که این یک بخش خیلی مهم و پر جنجال در بخش روایت احادیث است آگاه در این بخش کمک می نماید احادیث صحیح را از غیر صحیح تفکیک نماید اگر با این بخش شناخت کامل نداشته باشیم احادیث صحیح از غیر صحیح تفکیک نمی شود حتی احادیث غیر صحیح در جنب احادیث صحیح قرار خواهد گرفت و یا برعکس آن.

طرح مسئله تحقیق

واژه تدلیس به معنای پنهان نمودن عیب است اطلاق این واژه بر بالای احادیث رسول معظم اسلام که تشکل دهنده بخش اعظم از دین اسلام است سبب ایجاد شک و تردید نسبت حدیث شریف قرار گرفته است فرق بین احادیث سقیم و غیر سقیم باجود این پدیده نمی شود و همه احادیث بیک ردف قرار می گیرد فکر می شود در بین احادیث روایت شده هیچ احادیث ضعیف وجود نداشته باشد و تمام روایان از درجه ثقه بودن بر خور دار باشد در حالیکه این خلاف فطرت بشری است همه ای انسانها در یک درجه قرار داشته باشد عده از انسانها از حافظه ضعیف و عده صادق و عده هم کاذب در بین قشر بشری بدین شکل انسانها موجود است روایت تمام انسانها را نمی شود که یکسان قرار داد، تدلیس هم به مانند شب تاریک همه چیزی را برای انسان غیر قابل دید میگرداند؛ از همین جهت لازم دیدم موضوع را تحت عنوان (تدلیس و تأثیر آن بر حدیث نبوی) انتخاب نموده ام

Corresponding Author:

دكتور محمد عثمان روحانی

پوهاند، د حدیث تفسیر خانګه، د
اسلامي علومو پوهنځی، شهید استاد
رباني د ښوونې او روزنې پوهنتون،
کابل، افغانستان

راه ایجاد تدلیس واز بین بردن آن را شناسای کرده تا مشکلات که از این ناحیه به میان آمده است دور گردد هرواحد از احادیث به جایگاه خود قرار گیرد صحیح در مقام خود وضعیف نیز در جایگاه خود قرار بگیرد.

اهمیت موضوع تحقیق

تدلیس پدیده است که در قرن های بعدی به میان آمده تاثیرات منفی را در روایت احادیث بجا گذاشته است که اشخاص مدلس عیوب موجوده در احادیث را پنهان نموده بشکل روایت می نماید که در حدیث عیب نیست در حالیکه در احادیث عیب بوده به درجه صحت نه رسیده است وایشان کتمان عیب نموده به درجه صحت رسانده است این کار باعث ایجاد شک و تردید در روایت احادیث گردیده از این نگاه لازم است موضوع تدلیس در باب احادیث یک امر مهم است در باره تحقیق و شناسای صورت بگیرد، تا همان عیب کتمان شده ظاهر گردد ودرجه صحت و سقم حدیث برای طالبان حدیث هویدا گردد از اختلاط حدیث معیوب از غیرش جلوگیری به عمل آید.

اهداف تحقیق

حصول معرفت به مفهوم تدلیس، از این طریق احادیث مدلس را از غیر مدلس تفکیک کرده بتوانم. شناسای انواع تدلیس چه نوع از تدلیس وجود دارد که همه ایشان در یک ردیف اند یا باهم فرق دارند. آگاه حاصل نمودن به حکم هر واحد از انواع تدلیس.

سوالات تحقیقی

1. تدلیس کدام اشخاص قبول می شود؟
2. همه ای انواع تدلیس یکسان است یا فرق دارد؟
3. تدلیس چه تأثیر را در پذیرش احادیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می گزارد؟

میتود روش تحقیق

در این اثر سعی صورت گرفته تا از منابع و مأخذ معتبر، مطالب را در رابطه به (تدلیس و تأثیر آن بر حدیث نبوی) گرد آوری شود، اجاب می نماید در هر موضوعی تحقیقی از روشهای متفاوت استفاده می گردد که پاسخگوی سوالات تحقیقی بوده باشد، تا اهداف تحقیق بر آورده شود، با توجه به اهداف تحقیق این اثر به روش کتابخانه ای انجام یافته است، مطالب گردآورده شده، از منابع معتبر و علمی تحقیقی تهیه و نگارش یافته است.

2 - مفهوم تدلیس در حدیث

تدلیس در لغت

از باب تفعل از دَلَسَ یدلیس تدلیساً. گرفته شده اسم فاعلش مُدَلِّس، و اسم مفعولش مُدَلَّس است. به معنای تقلب و جعلی، پنهان کردن و دوروغ می باشد. قسمی که گفته شده است که (دلس شیئاً) پنهان کرده شی را.

به معنای پنهان نمودن بایع عیب میبعه را به مشتری، تقدیم کردن پول تقلبی به صورت اصلی و حقیقی در حالیکه واقعیت

ندارد شی جعلی و ساختگی می باشد¹

دلس: به حرکت فتحه به معنای تاریکی شب که در هم پی چیده، فریب دادن و بازی خوردن می باشد چنانکه اعراب در محاوره خود می گفتند (فلان لایدلس) بدین معنا که فلانی با کسی فریب کاری و خیانت نمی کند یا فلانی شما را بازی نه دهد چیزی را از تو پنهان نه سازد.²

تدلیس در حدیث: از هری می گوید: تدلیس در اسناد از بیان نکردن عیب میبعه برای مشتری بر گرفته شده است که محدث حدیث را روایت می کند از شیخ بزرگتر در واقعیت از غیر وی شنیده، جماعت از ثقات چنین عمل را انجام داده است. محدث در اسناد حدیث عیب حدیث را آشکار نمی سازد یعنی راوی که ضعیف است ترک نموده از راوی قوی روایت می کند کسی گمان نکند که در این حدیث عیب وجود داشته باشد در حالیکه در حدیث راوی ضعیف و عیب موجود است کسی که به فن حدیث مهارت شناسای از حدیث دارد می داند که در این حدیث مشکل وجود دارد.³

تدلیس در اصطلاح: علما به چهار قول در تعریف تدلیس اختلاف نموده اند. تعریف را جح این است (روایة الراوی عن لقیه أو عن شیخه الذی سمع منه ما لم یسمع منه بصیغة توهم السماع)⁴

یعنی: روایت نمودن راوی از کسی که به آن ملاقات نموده، یا از شیخ که از وی شنیده، در واقعیت از وی شنیده است به صیغه روایت می کند احتمال سماع را برده می شود. (راوی اصلی را که از آن حدیث سمع نموده است وی را از اسناد حدیث حذف کرده در مقام وی راوی اعلی را ذکر نموده است به الفاظ که گمان سماع از وی برده می شود مثل لفظ عن، قال وان)

مناسبت بین معنای لغوی و اصطلاحی تدلیس پنهان نمودن است چنانکه تاریکی بی آید تمام آنچه که وجود دارد پنهان می کند، راوی مروی عنه خود را پنهان می نماید کسی را به میان می آورد که از وی روایت نکرده است.⁵

3 - تعریف ارسال

ارسال در لغت: به معنای تسلیط، اطلاق، اهمال و توجیه. ارسال در حدیث: عبارت از عدم ذکر صاحب حدیث⁶ فرق بین تدلیس و مرسل خفی: تدلیس عبارت از روایت راوی از کسی هم عصر بوده و ملاقات هم نموده است، مرسل خفی عبارت است از روایت راوی از کسی که هم عصر بوده ولی

¹ أحمد مختار عبد الحمید عمر (1429 هـ ق 2008م). معجم اللغة

العربیة المعاصرة، عالم الکتب، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 760.
² مصری، محمد بن مکرم بن منظور الأفریقی (ب ت). لسان العرب، بیروت، دار صادر، الطبعة: الأولى، ج 6، ص 86.

³ ابن منظور (ب ت). لسان العرب، المحقق: عبد الله علی الکبیر و غیره، القاهرة، دار المعارف، ج 2، ص 1408.

⁴ محمد حسن عبد الغفار (ب ت). شرح کتاب التذلیس فی الحدیث للدمینی، الشبکه الاسلامیة، ج 4، ص 2.

⁵ خزرچی، حماد بن محمد الانصاری السعدی (ب ت). التذلیس والمدلسون، مجلة الجامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة، ج 2، ص 93.

⁶ حنفی، ایوب بن موسی الحسینی (ب ت). الکلیات فی المصطلحات والفروق اللغویة، المحقق: عدنان درویش، محمد المصری، بیروت، مؤسسه الرساله،

باوی ملاقات نکرده است.⁷ تدلیس متضمن ارسال است ولی ارسال متضمن تدلیس نیست به خاطر که از سال توهم سماع را تقضا نمی کند از کسی که سمع نکرده است؛ از همین جهت علما کسی که از سال می نماید نکرده است.⁸

4 - اقسام تدلیس

در اقسام تدلیس علما اختلاف کرده اند ابو عبد الله نيساپوری تدلیس به شش قسم تقسیم نموده است.

اول: راوی از ثقات تدلیس می کند محدث از وی فوق باشد و یا هم پایین باشد مگر اینکه از در جه قبول نمودن حدیث اش خارج نمی شود مثل ابو سفیان طلحه بن نافع وقتاده بن دعامه و غیره

دوم: راویانی هستند که حدیث را تدلیس می کنند می گویند: قال فلان، کسی به روایت ایشان عیب بگیرد، باز مراجعه نموده روایت و سماعات خویش را ذکر می نماید.

سوم: مدلس از انسانهای مجهول تدلیس می نماید که نمی داند او کی است از کجا است.

چهارم: راویان هستند که حدیث را تدلیس می کند از کسی که مجروح است اسم اش را تغیر داده به کنیه روایت می نماید تا که شناخته نشود.

پنجم: از مدلسین کسانی هستند تدلیس می کنند از کسانی که از ایشان سماعات بسیار دارد، ولی عده از سموعات خود را از آنان فراموش کرده سپس تدلیس می نماید.

ششم: مدلسین کسانی هستند که از شیوخ روایت می نماید که اصلاً آن شیوخ را ندیده و نه هم از ایشان شنیده است می گویند: قال فلان در نزد ایشان نه سماع عالی و نه سماع نازل است.⁹

ابن صلاح تدلیس را به دو بخش اساسی تقسیم نموده است. اول: تدلیس در اسناد دوم: تدلیس شیوخ.¹⁰

حافظ عراقی یک نوع دیگری تدلیس را اضافه نموده می گویند: تدلیس به سه نوع است قسمی سومی را ابن صلاح ذکر نکرده، او تدلیس تسویه است.¹¹

بلقینی در محاسن الاصطلاح می گویند: اقسام ششگانه را که حاکم ذکر نموده است. داخل در تحت این دو قسم تدلیس است قسم اول، دوم، سوم، پنجم و ششم داخل در قسم اول است. قسم چهارم داخل در قسم دوم است.¹²

حافظ بن حجر می گویند: قسمی سوم تدلیس را که ابن صلاح ترک نموده است از جمله بدترین تدلیس است و نیز می آفراید که تدلیس تسویه اصطلاح است که بدان اطلاق شده در واقعیت در قسم اول داخل است.

انواع تدلیس را که علما ذکر نموده از قبیل خطیب بغدادی، امام نووی، ابن کثیر، طیبی، ابن حجر، سخاوی، سیوطی و غیره داخل در تحت تقسیم ابن صلاح است که بدو بخش تقسیم کرده است.¹³

بقاعی می گویند: اگر اصل تدلیس را مراد قرار دهیم بجز آنچه را که ابن صلاح ذکر نموده است شی دیگر نیست اگر انواع تدلیس را مراعت نمایم بسیار است از قبیل تدلیس قطع و عطف و غیره¹⁴

بنا بر عدم نمودن تدلیس تسویه را در قسم اول می توان گفت تدلیس به سه قسم است.

اول: تدلیس در اسناد

عبارت از روایت راوی از کسی که با وی معاصر بوده ملاقات نموده به الفاظ که توهم سماع را دارا می باشد و لی در واقعیت از راوی که روایت می نماید سمع نکرده است مثل لفظ عن. وقتی راوی از کسی روایت می کند که با مروی خود هم عصر نه بوده باشد در این صورت تدلیس از بین می رود به کذب و مرسل محض تبدیل می شود، علی بن خشرم می گویند: در نزد ابن عیینه بودیم فرمود: فرموده است زهری برایش گفته شد از زهری روایت نموده ای خاموش شد باز گفت فرموده است زهری برایش گفته شد آیا از زهری شنیده ای فرمود: نه از زهری شنیدم و نه هم از کسی که او از زهری شنیده است بلکه از عبدالرزاق از معمر از زهری شنیدم، کسی که بدین شکل به تدلیس معروف است روایت اش مطلقاً رد می شود مگر اینکه تصریح به سماع بکند به لفظ چون سمعت حدثنا و أنبأنا، در صورت عدم تصریح به سماع شود مانند لفظ عن به اتفاق آرا روایتش قابل قبول نمی باشد، بنا بر قول زین الدین ابن مینی به اتفاق کسانی است که روایت مرسل را قبول ندارند، به الفاظ احتمال سماع روایت می کند حکم مرسل را با خود حمل می نماید.¹⁵

دوم: تدلیس در شیوخ

راوی از شیخ که حدیث شنیده است به اسم، یا بر کنیه، لقب، نسب، بسوی قبیله نسبت می کند، یا بسوی شهری، یا بر کاری توصیف می نماید به آن شناخته شده نباشد. ابن اصلاح می گویند: این قسم خفیف تر از قسمی اول است ابن صباغ بدین جزم نموده که کسی چنین روایت می نماید چون از غیر ثقات روایت می کند تا که روایت اش مورد قبول قرار بگیرد واجب است که روایت چنین شخصی قبول نشود، اگر بدین کار بار ثقات را دارد غلط نموده است؛ به خاطریکه غیرش را بشناسم به توسط جرحش، اگر به خاطر خورد سند بودنش می باشد، این روایت مجهول است باز هم قبولش جواز ندارد تا که کسی از وی روایت نموده شناخت شود¹⁶

سوم: تدلیس تسویه

عبارت است از روایت نمودن راوی از شیخ ثقه غیر مدلس،

¹³ محمدی، عبد القادر بن مصطفی بن عبد الرزاق (2005م). الوجیز النفیس فی معرفة التدلیس، بغداد، مرکز البحوث والدراسات، ص 4.

¹⁴ صنعانی، محمد بن اسماعیل الامیر الحسنی (ب ت). توضیح الأفكار تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، المدینة المورة، المكتبة السلفية، ج 1، ص 350.

¹⁵ توضیح الأفكار ج 1، ص 351.

¹⁶ التدلیس والمدلسون، ج 2، ص 93-94.

⁷ شرح کتاب التدلیس فی الحدیث للمینی، ج 4، ص 2.

⁸ بغدادی، أحمد بن علی بن ثابت أبوبکر الخطیب (ب ت). الکافیة فی علم الروایة، تحقیق: أبو عبد الله السورقی، إبراهیم حمیدی المدنی، المدینة المنورة، المكتبة العلمية، ص 357.

⁹ نيساپوری، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله (1397 هـ 1977). معرفة علوم الحدیث، المحقق: سید معظم حسین، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ص 103-109.

¹⁰ ابن صلاح، عمرو عثمان بن عبد الرحمن الشهرزوی (ب ت). مقدمه ابن صلاح، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص 61-62.

¹¹ حنفی، عبد الرحمن بن أبی بکر بن محمد (1432 هـ 2011م). شرح الفیه العراقي فی علوم الحدیث، تحقیق: شادی بن محمد بن سالم آل نعمان، یمن، مرکز النعمان للبحوث والدراسات الاسلامیة و تحقیق التراث والترجمة، چاپ اول، ص 117.

¹² بلقینی، عمر بن رسلان بن نصیر (ب ت). محاسن الاصطلاح، المحقق: عایشه بنت الشاطی، دار المعارف، ص 233.

این باره وجود دارد که میگوید: شناخته شد کسی که یکبار تدلیس نموده است عورت وی آشکار گردیده در روایت حدیث، آشکار شدن این عورت به معنای دروغ نیست تمام روایت روای رد شود و نصیحت در صدق نیست روایت وی را قبول می نمایم آنچه را که از اهل نصیحت و صدق قبول نموده ایم. 22 روایت که از شعبه است حمل بر مبالغه زجر و تنفیر شده است. 23

حکم تدلیس در شیوخ به اعتبار مقصد تدلیس کننده در شیوخ مختلف می شود این صلاح می گوید: امر این تدلیس خفیف تر است نسبت به تدلیس در اسناد. عراقی و بقاعی نیز این قول را تأیید نموده میفرمایند: کسی مهارت در شناخت حدیث دارد می داند که در اینجا تدلیس صورت گرفته است؛ از همین جهت این تدلیس خفیف تر است نسبت به تدلیس در اسناد به خاطر که تدلیس در اسناد را شناخته نمی شود مگر اینکه شخصی تدلیس کنند اعتراف نماید که در روایت این حدیث تدلیس نموده است. حافظ ابن کثیر در این باره میگوید: بعضی اوقات مکروه است در زمانیکه از کسی تدلیس میکند او از نگاه سن خورد باشد، یا بطریق نازله روایت می نماید، وقتی این تدلیس حرام است در سلسله سند شخصی غیر ثقه باشد وی را ترک نموده از ثقه روایت نماید تا که حالش را مردم نه شناسد و یا وهم ایجاد نماید به این قسم که در جای این روای غیر ثقه روای ثقه را ذکر کند که در اسم و یا کنیه به روای غیر ثقه مشابهت داشته باشد. حافظ ابن حجر میگوید: اگر به خاطر ضعف شیخ اش تدلیس نموده باشد خیانت است. و نیز تنبه به فاسد بودن این نوع تدلیس نموده است به خاطر اختلاط اسمای ضعفا به ثقات می شود مثل کنیه عطیه عوفی به ابی سعید کسی به شناخت و صنعت حدیث مهارت ندارد گمان می نماید که ابو سعید الخدری رضی الله عنه است. 24

ابن عبد البر از ایمة حدیث نقل نموده است میگوید: تدلیس ابن عیینه را پذیرفته می شود، زیرا وقتی که به اقوال اطلاع حاصل نمایم به ابن جریر و معمر بر امثال ایشان حواله می نماید این آنچه است که ابن حبان تر جیح داده است فرموده: این چیزی است که در دنیا بجز سفیان بن عیینه بکسی دیگری نیست زیرا که تدلیس می کند مگر بجز ثقه و متقن از کسی دیگر تدلیس نمی کند؛ از همین جهت گفته شده است که امام ابن عیینه را تدلیس اش بدون رد قابل قبول می باشد برای ابن عیینه هیچ تدلیس را در یافت نشده است مگر اینکه بیان نموده سماع خویش را از ثقات، مثل سایر مدلسین از کاذبین تدلیس نمی کند. 18

5 - حکم تدلیس

تدلیس آثار منفی را در قبول نمودن احادیث گذاشته حدیث را از مورد قبول دور ساخته به چالیش می کشاند. در اینجا حکم هر یکی از اقسام سه گانه تدلیس بیان می گردد از جمله آن حکم تدلیس در اسناد است که اکثر از دانشمندان تدلیس در اسناد را مذموم دانسته به تمام انواعش شدیداً مکروه گفته اند، شعبه از جمله علمای است شدیداً تقبیح نموده، امام شافعی رحمه الله برادر دروغ گفته است بنابراین حکم این حدیث قابل قبول نیست مگر اینکه روای تصریح به سماع نماید. 19 علما در این باره چنین ابراز نظر کرده اند شعبه بن حجاج میگوید: تدلیس برادر دروغ است به دیگر قولش چنین ابراز می دارد، تدلیس در حدیث شدید تر از زنا می باشد، اینکه از آسمان به زمین بی افتم بهتر است به من از اینکه در روایت حدیث تدلیس نمایم. در روایت معافی از شعبه بن حجاج میگوید: زنا محبوب است بسوی من از اینکه تدلیس کنم.

حماد بن زید میگوید: تدلیس دروغ است. سپس حدیث را از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت نموده است. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُنْتَشِعُ بِمَا لَمْ يُعْطِ كَلَابِسُ ثَوْبِي زُورٌ» 20

ترجمه: کسی که سیر است به آنچه برایش داده نشده، مانند کسی است لباس دروغین را برتن نموده است. حماد بعد از نقل این حدیث می فرماید: مدلس سیر است که به اشیای که برایش داده نشده است. 21

در نزد جمهور علما تدلیس کذب نیست حتی این که تمام روایت اش رد شود ولی بر عدالت روای عیب و جرح را وارد می سازد بلکه قسمی از توهم است. نص از امام شافعی رحمه الله در

حکم دیگر از تدلیس تسویه است این بدترین نوع از اقسام تدلیس است کسی به این نوع تدلیس دست می زند وی از جمله مجروحین است. علما همه ای انواع تدلیس را قبیح و زشت دانسته بطور عام ولی تدلیس تسویه را به طور خاص قبیح گفتند علانی میگوید: مذموم است به وجوه بسیار اینکه این غش و پنهان نمودن حالت حدیث ضعیف است بر کسی که اراده احتجاج بر این حدیث را دارد و در بسیار ضعیف بودن این نوع تدلیس هیچ شک نیست. 25

ذهبی ثبوت چنین تدلیس را از شخص مدلس سبب فاسد بودن عدالت مدلس گفته است. ابن صلاح حکم بر این نموده است که پذیرفته نمی شود روایت مدلس مگر اینکه شخصی را در سلسله ای سند ترک نموده بیان دارد در غیر آن روایتش قابل قبول نمی باشد. 26

22 امام الشافعی (ب.ت). الرسالة، تحقیق: أحمد شاکر، shamelah.

23 ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن أبو عمرو (1406هـ/1986م). معرفة انواع علوم الحديث، المحقق: نور الدين عتر، دار الفكر، سوريا، دار الفكر المعاصر، بيروت، ص 75.

24 محمدی، أبو ذر عبد القادر بن مصطفى بن عبد الرزاق (2005م). الوجيز نفيس في معرفة التدليس، بغداد، مجلة مركز البحوث والدراسات في الوقف السنني، ص 23.

25 علانی، أبو سعید بن خلیل بن کیکلدی (1407هـ ق 1986م). جامع التحصيل في أحكام المراسيل، المحقق: حمیدی عبد المجید السلفی، بیروت، عالم الکتب، چاپ دوم. ص 102.

26 التدليس والمدلسون ج 2 ص 94.

17 التدليس والمدلسون، ج 2، ص 94.

18 توضیح الافکار ج 1، ص 352.

19 معرفة انواع علوم الحديث، ص 74-75.

20 البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره (1422). صحیح

البخاری، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، الطبعة:

الأولى ج 23 ص 190.

21 بغدادی، أحمد بن علی بن ثابت أبوبکر الخطیب (ب.ت). الكافية في علم

الرواية، تحقيق: أبو عبد الله السورقي، إبراهيم حمیدی المدني، المدينة المنورة،

المكتبة العلمية، ص 356-355.

6 - مناقشه

تدلیس اثر منفی را در قبول حدیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گذاشته اذهان عده را نسبت به قبول احادیث در شک افکنده است؛ از همین جهت برشناخت این موضوع دانشمندان اسلام کمر همت بسته برای معرفی این پدیده اقدام عملی نموده اند چون بصورت اساسی این موضوع شناخته شود تا حدیث مدلس از غیرش تفکیک گردد در غیر آن که حدیث مصدر دوم در اسلام بعد از کتاب الله است مردم در قبول آن دچار تردد گردیده سبب ضایع شدن بخش اعظم اسلام میشود بنا علما تدلیس را به اقسام مختلف تقسیم نموده است تا به تمام انواع آن بشکل که لازم است معرفت حاصل گردد، در تقسیم تدلیس علما اختلاف نموده اند ابو عبدالله نیسپوری به شش قسم تدلیس را تقسیم نموده است. مدلس تدلیس از ثقات می کند، گاه اوقات مدلس در تدلیس میگوید: قال فلان، وگاه هم از انسانهای مجهول تدلیس می کند، بعضی وقت از کسانی تدلیس می کند که سماعت اش از همان راوی بسیار است ولی فراموش نموده عده از مسموعات خود را تدلیس می کند و مدلس از شیوخ تدلیس میکند اصلاً ندیده همان شیخ را در این اقسام متذکره می بینیم که همه تدلیس صورت گرفته در اسناد حدیث است از همین جهت علما تمام این را در تحت تدلیس در اسناد داخل نموده است.

گاه مدلس از شخص مجروح تدلیس می کند بدین شکل که اسم اش را تغییر داده به اسم غیر مشهوره اش روایت می کند این بخش در قسم دوم تدلیس یعنی تدلیس در شیوخ داخل است تدلیس در شیوخ هم تدلیس برکنیه، لقب، نسب و قبیله است؛ از همین جهت علما تدلیس از شخص مجروح را داخل در تدلیس شیوخ نموده است.

دیگر علما هم تدلیس را به اقسام مختلف تقسیم نمودند مانند خطیب بغدادی، امام نووی، ابن کثیر، طیبی و ابن حجر و غیره و ابن صلاح تدلیس را بدو بخش تقسیم نموده است تدلیس در اسناد و تدلیس در شیوخ. علمای حدیث اقسام مختلف تدلیس را برون از همین دو قسم که ابن صلاح گفته نمی دانند. وبقاعی می فرماید که اصل تدلیس را اگر معیار قرار دهیم برون از همان دو قسم که ابن صلاح گفته است خارج نمی باشد در نهایت این بحثها گفته می توانیم تمام انواع تدلیس داخل در همان دو نوع تدلیس است که ابن صلاح گفته است.

7 - نتیجه گیری

بحث صورت گرفته بر بالای موضوع تدلیس به نتایج ذیل منتج گردیده است.

1. تدلیس از نگاه لغت از دلس گرفته شده به معنای تقلب، جعلی، پنهان کردن و دروغ میباشد.
- در اصطلاح: روایة الراوی عن لقیه او عن شیخه الذی سمع منه مالم یسمع منه بصیغة توهم السماع. یعنی روایت نمودن راوی از کسی که به آن ملاقات نموده، یا از شیخ که از وی شنیده در واقعیت از همان شیخ نشنیده است به صیغه روایت می کند احتمال سماع را برده می شود.
2. ارسال از نگاه لغت عبارت از عدم ذکر صاحب حدیث است.

فرق از سال با تدلیس در این است که از سال روایت راوی از کسی است که به همان راوی هم عصر بوده ولی به همراهی راوی مذکور ملاقات نکرده است. تدلیس روایت راوی از کسی که هم عصر بوده ولی به همراهی همان راوی ملاقات هم نموده

است.

3. تدلیس را علما به اقسام مختلف تقسیم نموده اند، بعد از تحت آشکار گردیده که تمام انواع تقسیم شده در تحت دو نوع تدلیس را ابن صلاح ذکر نموده است داخل می باشد او عبارت از تدلیس در اسناد و تدلیس در شیوخ میباشد همه انواع تدلیس در ضمن همین دو داخل بوده است، بعضی از علما که تدلیس تسویه را یک نوع مستقل قرار داده و از بدترین انواع تدلیس دانسته .

4. انواع مختلف از تدلیس ذکر گردیده است از قبیل تدلیس در اسناد، در شیوخ و تدلیس تسویه. حکم تدلیس در اسناد مکروه میباشد و شعبه بن حجاج تدلیس در اسناد را برادر دروغ دانسته است.

حکم تدلیس در شیوخ را ابن صلاح خفیف تر گفته نسبت به تدلیس در اسناد؛ زیرا که شخصی که مهارت در فن حدیث دارد تدلیس در شیوخ را می داند که در این حدیث تدلیس صورت گرفته است ضرورت به بیان از جانب مدلس نیست که تدلیس کرده است. حکم این تدلیس را حافظ ابن کثیر مکروه و حرام دانسته است در صورت که شخص مدلس از کسی تدلیس می نماید در سن از وی خورد بوده است، در صورت که در سلسله سند شخصی غیر ثقه است این را حذف نموده از ثقه روایت می نماید برین حالت حکم به حرام بودن چنین تدلیس کرده است.

از بدترین انواع تدلیس تدلیس تسویه میباشد ابن صلاح حکم بر عدم قبولیت چنین حدیث نموده مدام که شخص تدلیس کننده تدلیس را که انجام داده است بیان دارد.

5. دانشمندان حدیث حکم بر قبولیت حدیث کسی نموده است که وی بجز ثقات از کسی دیگری تدلیس نمی کند.

8 - منابع وماخذ

1. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن أبو عمرو (1406هـ-1986م). معرفة انواع علوم الحدیث، المحقق: نور الدین عتر، دار الفکر، سوریا، دار الفکر المعاصر، بیروت.
2. ابن صلاح، عمرو عثمان بن عبد الرحمن الشهرزوی (ب ت). مقدمه ابن صلاح، بیروت، دار الکتب العلمیه.
3. أحمد مختار عبد الحمید عمر (1429 هـ ق 2008م). معجم اللغة العربیة المعاصرة، عالم الکتب، چاپ: اول.
4. البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره (1422). صحیح البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، چاپ: اول.
5. بغدادی، أحمد بن علی بن ثابت أبوبکر الخطیب (ب ت). الکافیة فی علم الروایة، تحقق: أبو عبد الله السورقی، ابراهیم حمیدی المدنی، المدینة المنورة، المكتبة العلمیة.
6. بغدادی، أحمد بن علی بن ثابت أبوبکر الخطیب (ب ت). الکافیة فی علم الروایة، تحقق: أبو عبد الله السورقی، ابراهیم حمیدی المدنی، المدینة المنورة، المكتبة العلمیة.
7. بلقینی، عمر بن رسلان بن نصیر (ب ت). محاسن الاصطلاح، المحقق: عایشه بنت الشاطی، دار المعارف.
8. حنفی، آیوب بن موسی الحسینی (ب ت). الکلیات فی المصطلحات والفروق اللغویة، المحقق: عدنان درویش، محمد المصری، بیروت، مؤسسه الرسالہ.
9. حنفی، عبد الرحمن بن أبی بکر بن محمد (1432هـ

- 2011م). شرح الفيه العراقي في علوم الحديث، تحقيق: شادى بن محمد بن سالم آل نعمان، يمن، مركز النعمان للبحوث والدراسات الاسلاميه وتحقيق التراث والترجمة، چاپ اول.
10. خزرجي، حماد بن محمد الانصارى السعدى (ب ت). التدليس والمدلسون، مجلة الجامعة الاسلاميه بالمدينة المنورة.
11. الشافعي، أبو عبد الله محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان (ب ت). الرسالة، تحقيق: أحمد شاکر، shamela.
12. صنعاني، محمد بن إسماعيل الامير الحسنى (ب ت). توضيح الأفكار تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد، المدينة المورة، المكتبة السلفية.
13. علائى، أبو سعيد بن خليل بن كيكلى (1407هـ ق 1986م). جامع التحصيل فى أحكام المراسيل، المحقق: حميدى عبد المجيد السلفى، بيروت، عالم الكتب، چاپ دوم.
14. محمد حسن عبد الغفار (ب ت). شرح كتاب التدليس فى الحديث للدمينى، الشبكة الاسلاميه.
15. محمدى، عبد القادر بن مصطفى بن عبد الرزاق (2005م). الوجيز النفيس فى معرفة التدليس، بغداد، مركز البحوث والدراسات.
16. مصرى، محمد بن مكرم بن منظور الافريقى (ب ت). لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ: اول.
17. نيساپورى، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله (1397هـ 1977). معرفة علوم الحديث، المحقق: سيد معظم حسين، بيروت، دار الكتب العلميه، چاپ دوم.